

مقدمه‌ای در توضیح تصاویر کارتونی -۲

کارتون‌های مطبوعات



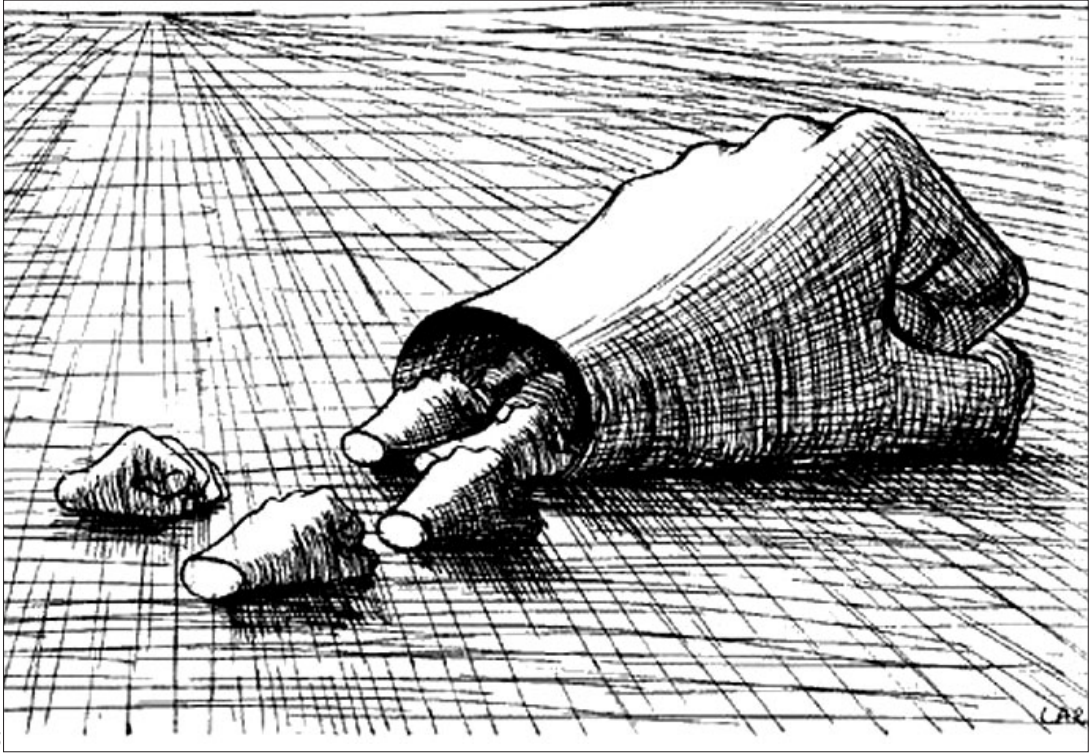
یحیی تدین

همان‌گونه که در تعریف کاریکاتور اشاره شد، هنرمندان کاریکاتوربست چهره افراد را با تکیه بر شاخصه‌های بسیار ظریف تغییر می‌دهند. و این تغییر عامل اصلی ایجاد تناقض میان واقعیت و چیزی است که در کنار واقعیت نهان مانده و شاید در اصل همان حقیقت چهره سوژه باشد. در میان کاریکاتوربست‌ها مرسوم است که اعضا چهره را بر مبنای تضاد ظاهری آن با واقعیت تغییر شکل می‌دهند، به طور مثال با توجه به آنچه در طول عمر کاریکاتورها شاهد آن بوده‌ایم و هنوز نیز ادامه دارد، چشم‌های کمی کوچک متعلق به سوژه کوچک‌تر، و بینی کمی بزرگ سوژه بدون هرگونه رحم و شفقت بزرگ‌تر می‌شوند، لیکن به‌رغم این تغییر و عمل جراحی بسیار اساسی باز هم این سوال باقی است که چگونه پس از این همه بزرگ و کوچک کردن تکتک اعضای صورت که در حقیقت نوعی بازآفرینی دوباره شخصیت اول است، بیننده دچار سردرگمی نشده و حتی ممکن است قبول کند این همان شخصی است که از اول باید بود. در میان فلاسفه، «فلاطون» به دنبال نظریه مثل خود، موجودات را سایه‌ای از حقیقت تصور می‌کرد، یعنی آنچه دیده می‌شود فقط شبیه چیزی است که وجود دارد نه اصل آن چیز. چنین شیوه ارزشگذاری بیابگر این نکته است که در پس هر چهره با رخدادی، چهره یا رخداد دیگری پنهان شده است. به یاد نقل قولی از «جرالد اسکارف» کاریکاتوربست انگلیسی می‌افتم که زمانی در پاسخ به این پرسش که «شما تا کجا چهره‌ها را دگرگون می‌سازید؟» پاسخ داده بود «تا آنجا که بیشتر از آن امکان نداشته باشد».

به عبارتی در کاریکاتورهای او اسکلت چهره‌ها تا جایی تغییر می‌کنند که نقطه عطف اثر محسوب شده و از آن به بعد هر حذف و اضافه مجدد می‌تواند کل اثر را معدوم کند. با این حال در ترسیم کاریکاتور یک چیز نباید فراموش شود که آن هم به تعبیری آیین جوانمردی است. اگر کاریکاتوربستی به نقض عضو کاراکتر برای خنده و لودگی اشاره کند در واقع کاری غیراخلاقی انجام می‌دهد حتی اگر سوژه‌های مورد استفاده هنرمند فرضاً افرادی چون «هیتلر» یا «بن لادن» باشند. یعنی چنانچه کاراکتر مورد بحث (بدون در نظر گرفتن رفتار سیاسی یا اجتماعی) از نظر جسمانی دچار معلولیت است نباید از نقیصه مورد اشاره برای خنداندن دیگران بهره گرفت. به طور مثال خندیدن به افراد نابینا تنها از کسانی سر می‌زند که بدون تردید مشکوک به امراض سادیستی هستند. این پیش‌انگاره که می‌توان برای تفریح دیگران از هر ایزاری استفاده کرد نوعی انحراف از اصول اخلاقی است. همان‌گونه که گفته شد حتی اگر کاراکتر مورد نظر دارای شخصیتی منفور است هیچ توجیهی ندارد که از این حربه برای افشاشگری یا تصفیه حساب با وی استفاده شود. در همین راستا دستمایه قرار دادن اعتقادات دینی افراد، نژاد یا لباس‌های محلی آنها اگرچه ممکن است از نگاه لیبرالیست‌ها یا دموکراسی‌خواهان، خلاف آزادی بیان عنوان شود ولی در مجموع چیز زیبایی نیست.

کارتون‌های مطبوعاتی

این دسته از کارتون‌ها جزء پربیننده‌ترین انواع طرح‌های کارتونی محسوب می‌شوند که همه‌روزه به طور گسترده در مطبوعات جهان در کنار سایر مقالات سیاسی به چاپ می‌رسند و بستر اصلی این گروه از کارتون‌ها ترجیحاً روزنامه‌ها و سایر نشریات سیاسی است. آثار این هنرمندان به جهت



نقاش اثر: یحیی تدین

کارتون‌های «با شرح» یا «بدون شرح»، کدام را انتخاب می‌کنید

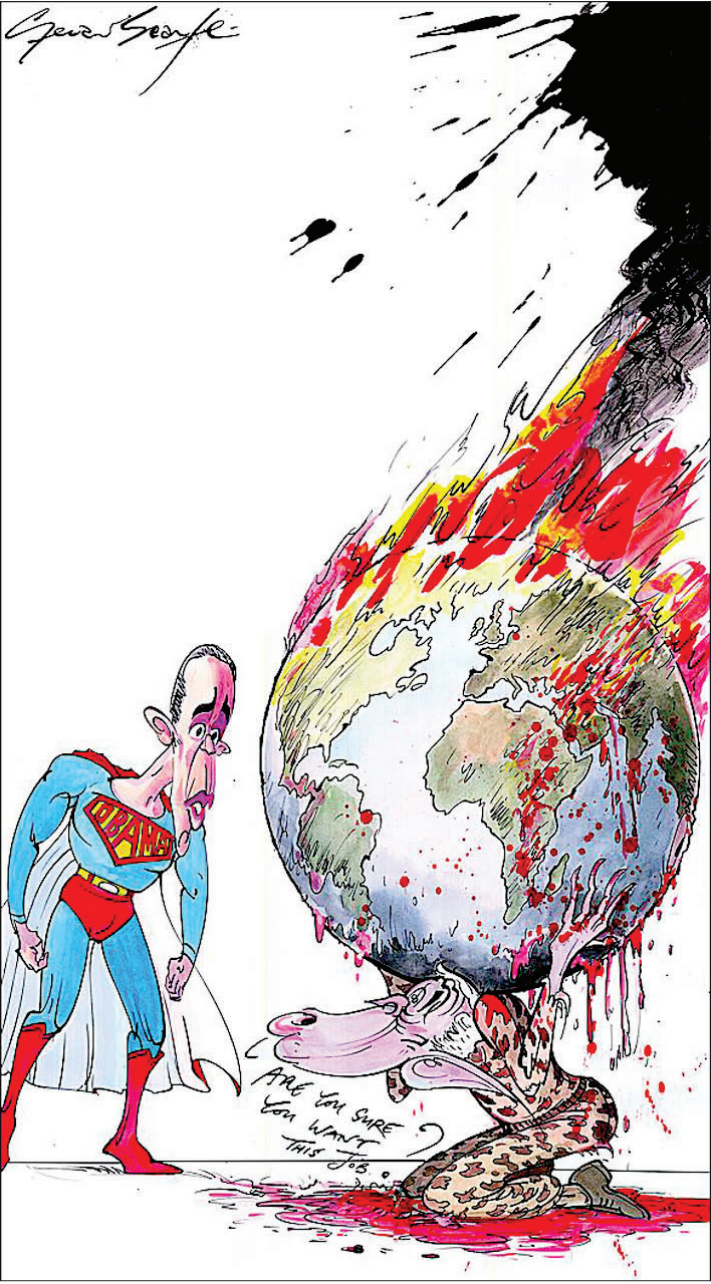
شوخی انگلیسی‌ها برای بسیاری از ایرانی‌ها غیرقابل فهم یا بی‌نمک است هر چند برای خود آنها شیرین و بامزه است. با این حال، در مجموع باید پذیرفت کارتونیست‌ها از به کار بردن کلام در فواصل تصاویر خود یعنی کارتون‌های «با شرح» در مقایسه با فرم‌ها یا کارتون‌های «بدون شرح» (شاید به خاطر سادگی کار) استقبال بیشتری می‌کنند به طور مثال چیزی که از سالیان دور در مجلات مصور به کار می‌رود همانا استفاده از کلمات یا عبارات در داخل جاب‌هایی است که توسط پرسوناژها یا افراد ماجرا ادا می‌شود که در واقع مجموعه این گفت‌وگوها یا جاب‌ها نشان‌دهنده موقعیت و کیفیت طنز است. باید پذیرفت شیوه استفاده از کارتون‌های «با شرح» یا «بدون شرح» برای هنرمند کارتونیست در واقع نوعی سلیقه است و تا حدودی به روحیات کارتونیست‌ها مرتبط بوده لذا قاعده یا دستورالعمل خاصی ندارد. فرضاً «استاینبرگ» کارتونیست بدعت‌گذار آمریکایی در آشارش برخلاف «دومیه» کاریکاتوربست فرانسوی استفاده از اشکال گرافیکی را بر آثار «با شرح» ترجیح داده است، هرچند شایسته نیست برای این نوع انتخاب امتیاز خاصی قائل شد لیکن استفاده از این سبک و سیاق‌ها علاوه بر روحیات و علاقه‌مندی هنرمند به تصمیم و شرایط سفارش‌دهنده نیز مربوط می‌شود. منظور از شرایط سفارش‌دهنده توافقی است که مطابق قرارداد میان هنرمند با صاحب نشریه بسته می‌شود. تا مطابق آن آثار هنرمند به طور روزانه، هفتگی یا ماهیانه در صفحات نشریه به چاپ برسد. بدیهی است صاحبان نشریه نیز با

شوخی انگلیسی‌ها برای بسیاری از ایرانی‌ها غیرقابل فهم یا بی‌نمک است هر چند برای خود آنها شیرین و بامزه است. با این حال، در مجموع باید پذیرفت کارتونیست‌ها از به کار بردن کلام در فواصل تصاویر خود یعنی کارتون‌های «با شرح» در مقایسه با فرم‌ها یا کارتون‌های «بدون شرح» (شاید به خاطر سادگی کار) استقبال بیشتری می‌کنند به طور مثال چیزی که از سالیان دور در مجلات مصور به کار می‌رود همانا استفاده از کلمات یا عبارات در داخل جاب‌هایی است که توسط پرسوناژها یا افراد ماجرا ادا می‌شود که در واقع مجموعه این گفت‌وگوها یا جاب‌ها نشان‌دهنده موقعیت و کیفیت طنز است. باید پذیرفت شیوه استفاده از کارتون‌های «با شرح» یا «بدون شرح» برای هنرمند کارتونیست در واقع نوعی سلیقه است و تا حدودی به روحیات کارتونیست‌ها مرتبط بوده لذا قاعده یا دستورالعمل خاصی ندارد. فرضاً «استاینبرگ» کارتونیست بدعت‌گذار آمریکایی در آشارش برخلاف «دومیه» کاریکاتوربست فرانسوی استفاده از اشکال گرافیکی را بر آثار «با شرح» ترجیح داده است، هرچند شایسته نیست برای این نوع انتخاب امتیاز خاصی قائل شد لیکن استفاده از این سبک و سیاق‌ها علاوه بر روحیات و علاقه‌مندی هنرمند به تصمیم و شرایط سفارش‌دهنده نیز مربوط می‌شود. منظور از شرایط سفارش‌دهنده توافقی است که مطابق قرارداد میان هنرمند با صاحب نشریه بسته می‌شود. تا مطابق آن آثار هنرمند به طور روزانه، هفتگی یا ماهیانه در صفحات نشریه به چاپ برسد. بدیهی است صاحبان نشریه نیز با

۱ – فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر

سال پنجم ■ شماره ۱۱۵۲ ■ سه‌شنبه ۱۴ دی ۱۳۸۹

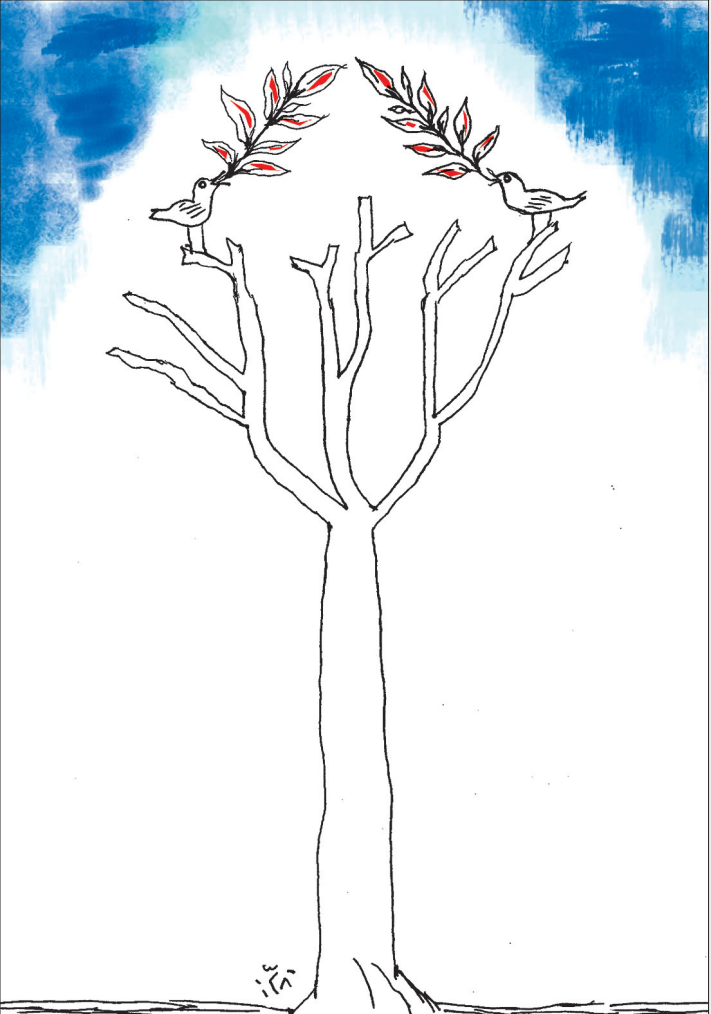
کارتون‌لند ۱۵



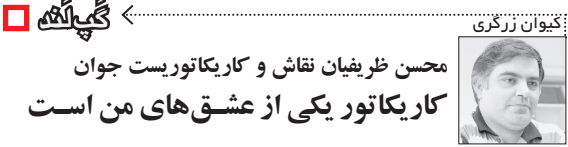
آریتا اثر: اسکارف



نقاش اثر: یحیی تدین



آریتا اثر: یحیی تدین



یحییان زرتی

محسن ظریفیان نقاش و کاریکاتوربست جوان
کارتیکاتور یکی از عشق‌های من است

محسن ظریفیان متولد ۱۳۵۵ بجنورد است. دانش‌آموخته مهندسی کامپیوتر در رشته نرم‌افزار از دانشگاه صنعتی امیرکبیر است. فعالیت حرفه‌ای در مطبوعات را از سال ۱۳۶۹ با مجله طنز و کاریکاتور آغاز کرده و در طول این سال‌ها با نشریات و روزنامه‌هایی همچون همشهری، جام‌جم، سرمایه، خبر، پول، زن و... همکاری داشته است. وی در چندین جشنواره هنری داخلی و بین‌المللی به‌عنوان هنرمند برگزیده انتخاب شده که عبارت‌تند از: بخش جوانان مسابقه بین‌المللی آیات شیطانی (۱۳۷۲)، چهارمین جشنواره طنز پاراگوآجو– برزیل (۲۰۰۸)، اولین مسابقه بین‌المللی کارتون «صدف و ماهی» کاوارنا–رومانی (۲۰۰۹)، دیپلم افتخار از مسابقه تانجون– کره جنوبی (۱۹۹۸) و (۲۰۱۰)، مسابقه بین‌المللی کارتون بلگرو– روسیه (۲۰۰۸) و... وی فعالیت‌هایی را در زمینه بازیگری، طراحی صحنه تئاتر، گرافیک و... در کارنامه هنری‌اش ثبت کرده است.

– چطور با هنر کاریکاتور آشنا شدی؟
مدت‌ها در زمینه نقاشی و طراحی فعال بودم ولی در دوره‌ای احساس کردم نقاشی یک هنر خنثی است. البته شاید در جامعه ما این مساله این گونه به نظر آید ولی احساس کردم که این کار خیلی بازده اجتماعی ندارد. این اتفاق در سال‌های دبیرستان برای من افتاد؛ درست در دوره‌ای که شخصیت اجتماعی انسان در حال رشد و شکل‌گیری است و نوعی کم‌کم از

جامعه شناخت حاصل می‌شود. در همین ایام که مصادف بود با دهه ۶۰ گاهنامه‌های طنز و کاریکاتور با تلاش آقای جواد علیزاده منتشر شد که به نوعی به رویدادهای مهم ورزشی همچون جام جهانی، المپیک یا برنامه‌های مهم تلویزیون و مسائلی از این دست در قالب یکسری داستان‌های تخیلی یا کاریکاتورهای جدی و روشنفکرانه می‌پرداخت. این کارها در آن سال‌ها من را با دنیای جدیدی روبه‌رو کرد و با پیگیری این کارها آرام‌آرام به سمت کاریکاتور کشیده شدم.

– چرا در دانشگاه رشته‌ای مرتبط با علایق هنری‌ات انتخاب نکردی؟

خب من ساکن بیرجند بودم و تنها کانال ارتباطی من هم برای ارسال آثارم در آن سال‌ها مجله طنز و کاریکاتور بود. شاید برای حرفه‌ای شدن در زمینه‌های هنری در شهری مثل بیرجند امروز هم فضا آماده نباشد چه رسد به حدوداً ۲۰ سال پیش که من در این زمینه تلاش می‌کردم. در آن دوره من تلاش زیادی کردم که در مرحله اول تحصیلات دانشگاهی داشته باشم و حتی حاضر بودم در رشته متفاوت با علایق خودم تحصیل کنم تا به این وسیله بتوانم وارد یکی از دانشگاه‌های تهران بشوم و دیدگاه‌های حرفه‌ای خودم را که طبعاً طنز و کاریکاتور بود دنبال کنم. تلاش زیادی داشتم تا بالاخره در کنکور با رتبه خوبی در یکی از دانشگاه‌های تهران قبول شدم و برای تحصیل و پیگیری فعالیت‌های هنری‌ام به تهران آمدم.

– کار حرفه‌ای را از چه زمانی شروع کردی؟

در تهران این فرصت را پیدا کردم تا استناد علیزاده را از نزدیک ببینم. ایشان محبت داشتند، آثارم را می‌دیدند و راهنمایی می‌کردند. کم‌کم کارهای بیشتری انجام دادم حتی یک بار تعدادی کاریکاتور چهره آماده کردم و به دفتر روزنامه جامعه رفتم. خاترم هست که آقای احمدرضا دالوند که مسئول هنری روزنامه بود به من گفت در زمینه کاریکاتور چهره استعداد خوبی دارم و پیشنهاد کردند فقط در این زمینه کار کنم. اگرچه متأسفانه این فرصت فراهم نشد و من کمتر به آن پرداختم ولی در زمینه‌های دیگر خصوصاً کاریکاتورهای بدون شرح که بسیار به آن علاقه‌مندم تعداد زیادی کار خلق کردم.

– از هنرمندان خارجی هم تاثیر گرفتی؟

یک مثلث هنری همیشه برای من مطرح بوده که در بالای آن سامیه و در طریفن آن کینو و موردیو هستند. به اعتقاد من بهترین کاریکاتوربست دنیا سامیه است به خاطر سادگی‌ای که در خط‌هایش است.

– بهترین کاری که تا به امروز انجام دادی و خیلی هم دوستش داری کدام است؟

کاری را سال‌ها پیش انجام دادم در فضایی فانتزی. یکسری آدم و روح هستند با شمایل‌هایی مثل بال و لباس بلندی که پوشیده‌اند. اینها دارند روی ابرها فوتبال بازی می‌کنند ولی توپ‌شان افتاده پایین روی زمین. روی زمین هم یک بنده خدایی ایستاده و آنها از آن بالا از او می‌خواهند که توپ‌شان را بفرستد بالا! این تلفیق فضای معنوی آسمان و ورزش فوتبال و در نهایت ارتباط آنها با یک فرد زمینی را خیلی دوست دارم و به همین خاطر هم این کار همیشه برایم جالب بوده است.

– به غیر از کاریکاتور به هنر دیگری هم پرداختی؟

تقریباً در یک دوره ۱۰ساله تئاتر کار کرده‌ام. در زمینه بازیگری و طراحی صحنه. حتی جایزه اول بازیگری را از جشنواره دانشجویی در سال ۱۳۷۹ کسب کرده‌ام. الان هم به شکل پراکنده‌ای در گروه‌های تئاتری فعال هستم. تئاتر هم زیاد می‌بینم ولی کار مستمر نمی‌کنم.

– از جایگاهی که در کاریکاتور داری رضایت داری؟

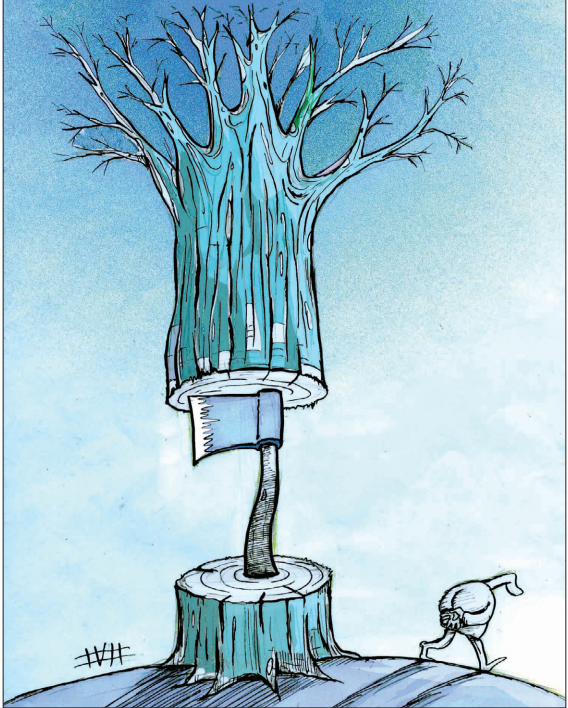
در سال‌های ۱۳۷۶ حال و هوایی هیجانی در مطبوعات ما ایجاد شد که خیلی از هم‌نسل‌هایم کارهایشان را از این دوره آغاز کردند. رشد من در آن سال‌ها خیلی مطلوب بود و در مجموع کارهایم در این دوره را خیلی دوست دارم.

– وضعیت امروز کاریکاتور را چگونه می‌بینی؟

ناامیدکننده است. اغلب نشریاتی که در آنها فعالیت می‌کرده‌ام تعطیل شده‌اند. حالا یا به دلیل شرایط مالی یا سیاسی اینها تعطیل شده‌اند. شاید الان فقط در یک نشریه فعالیت می‌کنم و این در کنار دستمزدهای ناچیزی که پرداخت می‌شود سختی‌های کار را دوچندان کرده است.

– و صحبت پایانی؟

کاریکاتور یکی از عشق‌های زندگی من است. آرزو دارم بتوانیم حرف‌های ناگفته‌مان را در جایی که در معرض عموم باشد به طور منطقی و قانونی پخش و منتشر کنیم و به اطلاع مردم برسانیم و این طور نباشد که مجبور باشیم حرف‌هایمان را در فضای مجازی ارائه کنیم. امیدوارم آن عشقی را که به کاریکاتور دارم بتوانم آزادانه و به طور منطقی به مخاطبانم ارائه کنم.



آریتا اثر: یحیی تدین